

حلول ستم گیر با دشمنی
به هر گوشه جنگی است اهریمنی
گسسته شده قلب و پیوندها
فرو مرده در خاک در خلق ها
تو تنها و بی کس فرو مانده ای (۲)
کجایند یاران و فرزندان ها (۲)
منم پور تو مهر و پیوند تو
مرا مهر تو کرده پابند تو
شتابان می آیم کنون سوی تو
که باشم برای تو با گوی تو
چو عضوی به درد آورد روزگار (۲)
دگر عضوها را نماند قرار (۲)
اگر مرده دیروزت امروز هست
شکوه به پا خواستن مال ماست
اگر شاخ و برگی فرو ریخته
بهاران سرسبز فردا به جاست
چو عضوی به درد آورد روزگار (۲)
دگر عضوها را نماند قرار (۲)